

وقتی مشروطه خواهان قصد جان امام زمان را کردند

۱۴ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۵۱

. ضیالالدین دوری که یکی از افرادی بوده است که در جریان تحصن در سفارت انگلیس در سفارتخانه حضور داشته است می نویسد: یک روز عصر بنده با سه نفر از معممین درب سفارت ایستاده بودم، درشکه شارژ دافر سفات از قلپک وارد شد. همین که درشکه به محازات رسید، ایستاد بعد خانم شاردژافر از درشکه پیاده شد با نهایت خنده رویی و تغمز بنزد ما آمده. شیخی گفت: نمی دانم مجلس عدالت چیست؟

در ذهنم سوالی بود که چه شد که مردمی که به خاطر فتوای مرجعی قلیان که تفریح روزانه شان بود را شکسند بعد از مشروطه پای مراسم اعدام مرجعی دیگر شادی کردند تا اینکه این متن را خواندم. ضیالالدین دوری که یکی از افرادی بوده است که در جریان تحصن در سفارت انگلیس در سفارتخانه حضور داشته است می نویسد: یک روز عصر بنده با سه نفر از معممین درب سفارت ایستاده بودم، درشکه شارژ دافر سفات از قلپک وارد شد. همین که درشکه به محازات رسید، ایستاد بعد خانم شاردژافر از درشکه پیاده شد با نهایت خنده رویی و تغمز بنزد ما آمده. شیخی گفت: نمی دانم مجلس عدالت چیست؟ گفت یک مجلسی که دانشمندان و ریش سفیدان بنشینند نگذارند حکام و سلاطین به ما ظلم کنند، گفت: شما یقین مشروطه می خواهید و ما بار اول بود که این جمله را میشنیدیم. شیخ مخاطب گفت: بلی ما مشروطه می خواهیم آن خانم محیله لبش را گزید و گفت نه شما مشروطه نگویید ما که مشروطه شدیم کشیش هایمان را کشتیم سلاطینمان را کشتیم تا مشروطه شدیم شما نگویید خوب نیست. آخوند مخاطب گفت ما هم می کشیم هر کس که مخالفت کند اگر چه امام زمانمان باشد. بعد طولی نکشید که شنیدم یکی فریاد میزد ما مشربه می خواهیم یکی فریاد می کرد ما شرطه می خواهیم آخوند علیه ما فریاد می کرد: بگویید آنچه را خانم گفت می خواهیم

آدرس مطلب:

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۵۵۶/وقتی-خواهان-مشروطه-زمان-امام-جان-قصد-کردند>